**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه**88 **– 9/ 7/ 1397 آیات سوره1-7 طلاق /آیات عده در قرآن /کتاب العدد**

خلاصه بحث:

در جلسه گذشته برخی از فقرات آیه اول سوره طلاق بررسی شد. در این جلسه استاد معظم فقرات دیگری از این آیه را بررسی خواهند کرد. ایشان در ادامه سند روایت سعد بن عبد الله را ارزیابی خواهند نمود. استاد معظم در ادامه مباحث نسبت به مستثی‌منه «**الا ان یأتین بفاحشة**» احتمالی را مطرح کرده، آن احتمال را ابطال می‌نمایند.

**جواز خروج زن از خانه**

در جلسه گذشته این مسئله مطرح شد که آیا زن و مرد می‌توانند با یکدیگر توافق کنند که زن زمان عده را خارج از خانه شوهر سپری کند یا نه؟ در کتب بسیاری به این مسئله اشاره شده است. از جمله موارد می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

· کشاف ج 4، ص 554

· زبده البیان ص 583

· انوار التنزیل (تفسیر بیضاوی) ج5، ص 220

· منهج الصادقین ج 9، ص 312

· احکام القرآن (ابن عربی) ج 4 ص 1831

· تفسیر طبرانی ج 6، ص 294

· (عبارت عطاء که در جلسه گذشته مطرح شد:) جامع البیان ج 28، ص 85

· الواضح فی تفسیر القرآن (ابن وهب)

· بحر المحیط ج 10، ص 197

· تفسیر النهر الماد (ابن حیان) ج 2، ص1117

· تفسیر کبیر (فخر رازی) ج 30، ص561

در این مواردی که ذکر شد، برخی قائل به سقوط حق مذکور هستند اما بعض دیگر این حق را قابل اسقاط نمی‌دانند.

**الا ان یأتین بفاحشة مبیَّنه**

در تفسیر نور الثقلین چنین آمده است:

**عن بعض أصحابنا عن علی بن الحسن التیمی عن علی بن أسباط عن محمد بن علی بن جعفر قال: سأل المأمون الرضا7 عن قول الله عز و جل: «لا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُیُوتِهِنَّ وَ لا یَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ یَأْتِینَ بِفاحِشَةٍ مُبَیِّنَةٍ» قال: یعنی بالفاحشة المبینة أن تؤذی أهل زوجها فاذا فعلت فان شاء أن یخرجها من قبل أن تنقضی عدتها فعل.**

فی مجمع البیان‏ «إِلَّا أَنْ یَأْتِینَ بِفاحِشَةٍ مُبَیِّنَةٍ» قیل‏ هی الإیذاء (کذا فی الأصل و فی المصدر «البذاء» مکان «الإیذاء» و البذاء: الفحش فی القول) علی أهلها فیحل لهم إخراجها و هو المروی عن أبی جعفر و أبی8.

و روی علی بن أسباط عن أبی الحسن الرضا7 قال: الفاحشة أن تؤذی أهل زوجها و تسبهم.[[1]](#footnote-1)

اصل این روایت از تبیان شیخ طوسی; برگرفته است. شیخ; می‌فرماید: در مرویّ از امام باقر7 و امام صادق7 فاحشه به معنای زنی است که سوء خلق داشته باشد[[2]](#footnote-2). لکن بنده در مجامع روایی این حدیث را ندیده‌ام. در جلسه گذشته روایتی از علی بن اسباط از محمد بن علی بن جعفر از امام رضا7 نقل شد[[3]](#footnote-3) لکن همین روایت در مجمع البیان از علی بن اسباط از امام رضا7 (بدون واسطه شدن محمد بن علی بن جعفر) نقل شده است[[4]](#footnote-4).

**بررسی سند روایت کمال الدین**

در جلسه گذشته در ذیل این آیه، روایتی از کتاب کمال الدین خوانده شد. سند روایت چنین است:

**حدّثنا محمّد بن علیّ بن محمّد بن حاتم النوفلیُّ المعروف بالکرمانیُّ قال : حدّثنا أبو العبّاس أحمد بن عیسی الوشاء البغدادیّ قال : حدّثنا أحمد بن طاهر القمّیّ قال : حدّثنا محمّد بن بحر بن سهل الشیبانیُّ قال : حدّثنا أحمد بن مسرور، عن سعد بن عبد الله القمّیِّ** ...[[5]](#footnote-5)

صاحب قاموس الرجال اشکال کرده‌اند که: سعد بن عبد الله استاد مستقیم پدر صدوق; است و صدوق; با یک واسطه از او نقل می‌کند لکن به چه علت در این حدیث صدوق; با پنج واسطه از سعد بن عبد الله نقل می‌کند[[6]](#footnote-6)؟!! آقای صافی در «**النقود اللطیفة**» در جواب فرموده‌اند: اشکالی وجود ندارد که شخص گاهی با یک واسطه و گاهی با چند واسطه از فردی نقل روایت کند. لکن به نظر می‌رسد این سبک پاسخ دادن صحیح نیست. در مقام نکته عمده‌ای وجود دارد که جناب والد فرموده‌اند. ایشان می‌فرمودند: اینکه صدوق; معمولا با یک واسطه از سعد نقل می‌کند به این علت

است که صدوق; به نقل پدرش از کتاب سعد بن عبد الله نقل می‌کند. لکن ممکن است صدوق; مطلب دیگری که خارج از کتاب سعد بن عبد الله است را به واسطه افراد دیگری نقل کند. باید به این نکته توجه داشت که نقل از کتاب با نقل شفاهی تفاوت دارد[[7]](#footnote-7).

اشکال عمده این روایت این است که راویان این حدیث، توثیق ندارند. برخی از روات حدیث افراد شناخته شده‌ای نیستند و برخی مانند محمد بن بحر شیبانی، تضعیف‌اند[[8]](#footnote-8).

**مستثنی‌منه الّا ان یأتین بفاحشه**

در جلسه گذشته مفروض ما این بود که جمله ﴿الّا ان یأتین بفاحشة﴾ استثناء از عبارت «**لا تخرجوهنّ**» است نه از عبارت «**لا یخرجن**». لکن در بعض کتب تفسیری مستثنی‌منه عبارت «**لا یخرجن**» دانسته شده است. در کتاب تفسیر ماتریدی در مسئله دو قول بیان شده است:

**فمنهم من حمل الاستثناء بقوله: (إِلَّا) علی قوله: (لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُیُوتِهِنَّ)، وصرفه إلیه.**

**ومنهم من صرفه إلی قوله: (وَلَا یَخْرُجْنَ) ولکل من ذلک وجهان:**

**فأما من حمله علی قوله: (لَا تُخْرِجُوهُنَّ) فإنه جعله استثناءً، وللاستثناء وجهان:**

**أحدهما: لا تخرجوهن إلا أن یأتین بفاحشة مبینة أی: بزنی یزنین، فتخرجوهن؛ لإقامة الحد علیهن.** (یعنی باز هم حق سکنی ساقط نمی‌شود بلکه تنها برای اقامه حد از خانه خارج می‌شود)

**أو لا تخرجوهن إلا أن یظهر منهن بذاءة اللسان علی أهل أزواجهن فتخرجوهن؛ لمکان البذاءة التی فی لسانهن.**

**ومن حمله علی قوله: (وَلَا یَخْرُجْنَ)؛ فإنه یجعل معنی قوله: (إِلَّا) علی معنی: لکن؛ کما قیل فی قوله تعالی: (لَا یَسْمَعُونَ فِیهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا)، أی: لا یسمعون فیها لغوا، ولکن سلاما، إذ لا یحتمل استثناء السلام من اللغو؛ لما لیس فی جملة اللغو سلام؛ فیستثنی منه فکذلک قوله - عَزَّ وَجَلَّ -: (وَلَا یَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ یَأْتِینَ بِفَاحِشَةٍ مُبَیِّنَةٍ) فکأنه قال: لا یخرجن، ولکن إذا خرجن فخروجهن فاحشة، ویدل هذا علی أن النهی لنفس الخروج، لا للانتقال. ووجه آخر فی ذلک، وهو: ألا یخرجن إلا أن یأتین بفاحشة، فإنهن إذا خرجن، خشی علیهن أن یأتین بفاحشة مبینة**[[9]](#footnote-9)

وجوهی که ایشان ذکر کرده‌اند وجوه بسیار غریبی است و از لحاظ ادبی روشن نیست.

در کتاب انوار التنزیل بیضاوی[[10]](#footnote-10) نیز به این مطلب اشاره شده و در کتاب روح البیان توضیح عالمانه‌تری در مورد آن داده شده است. عبارت انوار التنزیل چنین است:

**و قوله: إِلَّا أَنْ یَأْتِینَ بِفاحِشَةٍ مُبَیِّنَةٍ مستثنی من الأول، و المعنی إلا أن تبذو علی الزوج فإنه کالنشوز فی إسقاط حقها، أو إلا أن تزنی فتخرج لإقامة الحد علیها** (تا اینجا همان بیانی بود که در تفسیر ماتریدی وجود داشت لکن در ادامه می‌گوید:) **أو من الثانی للمبالغة فی النهی و الدلالة علی أن خروجها فاحشة**[[11]](#footnote-11)**.**

تفسیر روح البیان در تفسیر این عبارت بیضاوی می‌گوید:

**وهو استثناء من الاول ای لا تخرجوهن فی حال من الأحوال الا حال کونهن آتیات بفاحشة او من الثانی للمبالغة فی النهی عن الخروج ببیان ان خروجها فاحشة ای لا یخرجن الا إذا ارتکبن الفاحشة بالخروج یعنی ان من خرجت أتت بفاحشة کما یقال لا تکذب لا (کلمه "لا" صحیح نیست و باید کلمه "الّا" استفاده شود) ان تکون فاسقا یعنی ان تکذب تکن فاسقا**[[12]](#footnote-12)

اگر در این آیه به جای نهی از نفی استفاده شده بود، بسیار راحت‌تر می‌توانستیم این معنا‌ی تفسیر روح البیان را استفاده کنیم لکن در آیه از نهی استفاده شده است که این برداشت را با مشکل مواجه می‌کند. البته کلمه «**لا یخرجن**» فی ذاته هم می‌تواند نهی باشد و هم می‌تواند نفی باشد لکن در این آیه به قرینه «**لا تخرجوهنّ**» این کلمه نهی است. در بعض موارد جمله اخباریه به جای جمله انشائیه به کار می‌رود، مثل «**یعید الصلاه**» که به معنای «**اعد الصلاه**» است. در چنین جمله اخباریه‌ای، تقدیر کلام چنین است: « **من یرید الامتثال، یعید الصلاه**». اگر جمله موجود در قرآن، به صورت نفی بود معنای آن چنین می‌شد «**من لا یردن الفاحشه، لا یخرجن بیوتهن**» به عبارت دیگر اگر عبارت قرآن منفی بود نه منهی، عبارتی که ما در جمله اخباریه مقدّر می‌گرفتیم، در آیه به صورت ظاهر بیان می‌شد. اما حال که عبارت «نهی» است چنین تقدیری سخت است.

همچنین در این مقام اشکال مشترکی (بین نفی و نهی) وجود دارد. توضیح مطلب اینکه: جمله «**لا تکذِب الا ان تأتی بمعصیة**» (به نحو نکره) با جمله «**لا تکذِب الا ان تأتی بالمعصیة**» تفاوت دارد. اینکه گفته شود «انجام دادن هر معصیتی (به صورت نکره) مانع از تعلق نهی (**لا تکذِب**) به شخص می‌شود» بسیار مستبعد است بر خلاف جمله دوم که چنین استبعادی ندارد؛ به عبارت دیگر از آنجا که نکره بر تعمیم دلالت دارد، تعمیم داشتن چنین جمله‌ای بسیار بعید است. عبارتی که در روح المعانی وجود داشت چنین بود: «**الثانی للمبالغة فی النهی عن الخروج ببیان ان خروجها فاحشة ای لا یخرجن الا إذا ارتکبن الفاحشة بالخروج**» ایشان ابتدا فاحشه را به صورت نکره بیان کرده‌اند اما در توضیح، آن را به صورت معرفه معنا نموده‌اند. از این رو بنده با فحصی که در کلمات مفسرین انجام دادم، در کتابی دیگر این معنا را ندیدم.

با توجه به آنچه گذشت به نظر می‌رسد مفروض ما در جلسه سابق (مستثنی‌منه بودن **لا تخرجوهنّ**) صحیح است چنانکه در روایات نیز به همین صورت معنا شده است.

در صورتی که مستثنی‌منه «**لا تخرجوهنّ**» باشد، معانی مختلفی ممکن است مطرح شود. در جلسه آینده این مسئله بررسی خواهد شد.

**و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و ال محمد**

1. تفسیر نور الثقلین، العروسي، الشيخ عبد علي، ج5، ص351. [↑](#footnote-ref-1)
2. التبيان فى تفسير القرآن‏، شیخ طوسی، ج10، ص31.

قال ابن عباس: الفاحشة النداء على أهلها، و هو المروي عن أبي جعفر و أبي عبد اللَّه8‏ [↑](#footnote-ref-2)
3. البرهان في تفسير القرآن ، السيد هاشم الحسيني البحراني، ج5، ص406.

«و عنه: عن بعض أصحابنا، عن علي بن الحسن الميثمي، عن علي بن أسباط، عن محمد بن علي بن جعفر، قال: سأل المأمون الرضا7 عن قول الله عز و جل: لا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَ لا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِينَ بِفاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ، قال: «يعني بالفاحشة المبينة أن تؤذي أهل زوجها، فإذا فعلت، فإن شاء أن يخرجها من قبل أن تنقضي عدتها فعل» [↑](#footnote-ref-3)
4. مجمع البیان، الشیخ الطبرسی، ج10، ص458.

«روى علي بن أسباط عن أبي الحسن الرضا7 قال‏ الفاحشة أن تؤذي أهل زوجها و تسبهم‏» [↑](#footnote-ref-4)
5. كمال الدّين وتمام النّعمة، شیخ صدوق، ج1، ص454. [↑](#footnote-ref-5)
6. قاموس الرجال، تستری، ج5، ص61. [↑](#footnote-ref-6)
7. مثلا ابوی در کتاب جرعهای از دریا قضیهای را از پسر عموی ما (آقا مجتبی) که سنش کمتر است نقل میکند. [↑](#footnote-ref-7)
8. البته ممکن است محمد بن بحر شیبانی را به این دلیل که راوی شناخته شدهای است، توثیق کرد. [↑](#footnote-ref-8)
9. تفسير الماتريدي (تأويلات أهل السنة)، المَاتُرِيدي، أبو منصور ، ج10، ص51. [↑](#footnote-ref-9)
10. کتاب انوار التنزیل بسیار مورد توجه علماء و منبع بسیاری از کتابها مانند کنز الدقائق و کنز العرفان و منهج الصادقین است. [↑](#footnote-ref-10)
11. انوار التنزيل واسرار التاويل، بیضاوی، ج5، ص220. [↑](#footnote-ref-11)
12. روح البیان، اسماعیل حقی، ج10، ص29. [↑](#footnote-ref-12)